



اطلاع رسانی

تهیه و تنظیم:
فرمانز ورکیانی

گفت‌وگو با:

پیشکسوت

ورزش فوتبال و تنیس و معلم ورزش

غلامحسین نوریان

غلامحسین نوریان، ورزشکار و معلم ورزش ۷۲ ساله‌ای است که روحیه‌اش نشاط و سرزندگی جوانان را دارد. وی ۲۰ سال در شغل معلمی ورزش در آموزش و پرورش خدمت کرده و ورزشکاری است که به شغل معلمی عشق می‌ورزد. معتقد است که اگر بار دیگر متولد شود، باز هم شغل معلمی را برمی‌گزیند. وی در ورزش فوتبال مهارت‌های زیادی را کسب کرده و جزو بازیکنانی است که با تیم ملی فوتبال در سال ۱۳۳۵ به عراق رفت. وی در سال ۱۳۳۸، به عنوان عضو تیم ملی فوتبال در مسابقات قهرمانی آسیا در هندوستان شرکت کرد. هم‌چنین، در سال ۱۳۴۱ در مسابقات فوتبال مقدماتی بازی‌های المپیک و بازی‌های المپیک عضو تیم ملی ایران بود.

علاوه بر این، نوریان از مربیان ارشد تنیس ایران است که در مقام رییس فدراسیون تنیس، از سال ۶۳ تا ۶۷ فعالیت داشته است. او خدمات بسیار زیادی در این ورزش به ورزش دوستان، و ورزش بانوان، ارائه داده است. وی هنوز هم به کار مربیگری تنیس مشغول است. در ادامه، شرح گفت‌وگو با این ورزشکار و معلم پیشین ورزش را به تفصیل می‌خوانید.

ورزش‌های دیگری چون بسکتبال، والیبال، دو، تنیس و غیره می‌پرداختند، ولی ورزش فوتبال در سرلوحه‌ی کار من قرار داشت و من به عضویت منتخب تیم فوتبال آموزشگاه‌ها درآمدم.

○ چه طور شد که به شغل معلمی ورزش علاقه‌مند شدید؟
□ این جمله را با قوت می‌گویم: من جزو معدود افرادی بودم که عاشق معلمی شدم. شور و حال زیادی برای این کار داشتم، تا جایی که یک سال خودم را مردود کردم تا معلم شوم. دو سال به‌طور شبانه‌روزی در

○ ضمن تشکر از حضور شما برای گفت‌وگو و قبول زحمت، ابتدا خواهش می‌کنم تاریخچه‌ی کاملی از حضورتان در ورزش، کار خود به‌عنوان معلم ورزش، یادها و خاطره‌های تلخ و شیرین دوران خدمت، ترک کار خود به‌عنوان یک پیشکسوت ورزش را بیان فرمایید.

□ من از کلاس هفتم دبیرستان، یعنی از ۱۳ یا ۱۴ سالگی، وارد تیم فوتبال مدرسه شدم. در ادامه روز به روز علاقه و عشق من به ورزش فوتبال بیشتر شد و با بالا رفتن تکنیک و مهارت‌م وارد مراحل بالاتری در این ورزش شدم. البته هم‌کلاسی‌های من به

«دانش سرای مقدماتی تربیت بدنی» در خیابان شهید دکتر مفتاح مشغول تحصیل در این رشته بودم. هم‌زمان، چون در تیم فوتبال آموزشگاه‌ها عضویت داشتم و در این ورزش سرشناس بودم، در حین خدمت وارد باشگاه «تهران جوان» شدم. گرچه قبلاً هم مربی بودم، ولی آقای فکری که مردی بزرگ بود و مربی ما، چیزهای زیادی به من آموخت. خیلی چیزها را مدیون ایشان هستم. از طریق ایشان و با آشنایی که با سرپرست دانش سرا داشتند، من و تعدادی از دوستانم وارد تیم دانش سرا شدیم. تیم ما در آن سال قهرمان ایران شد و تا ۱۰

سال تیم دانش سرا اول بود. من عاشق بودم. اگر حتی ۵۰ سال دیگر هم زنده باشم، دوست دارم معلم باشم. اگر ۱۰ شغل دیگر به من بدهند، باز هم دوست دارم معلم باشم و باز هم معلم ورزش می شوم. محل خدمت من آن موقع محله ی شمیرانات و حومه محسوب می شد. اولین مدرسه ی محل کارم، دبیرستانی در خیابان

پاسداران بود. آن زمان خانه ی ما در خیابان شهپاز بود و من آن قدر زود می رفتم که نیم تا یک ساعت با بچه ها بازی می کردم. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ که بازنشسته شدم، به شغل معلمی مشغول بودم.

○ از نظر شما آیا فرقی بین زنگ ورزش و تربیت بدنی وجود دارد؟
□ هر دوی این ها به یک جا منتهی

می شوند؛ یعنی در دل تربیت بدنی، ورزش نهفته است. تربیت بدنی یعنی ساختن بدن. اگر شما بدن سالم نداشته باشید، حتی نمی توانید راه بروید. می گویند عقل سالم در بدن سالم است. متأسفانه در مملکت ما به این موضوع چندان توجه نمی شود. در فرهنگ ما به این مسئله اهمیت نمی دهند که راه رسیدن به عقل سالم ورزش کردن است. باید بگوییم «پرورش و آموزش»، چون اگر نتوانیم خوب فکر کنیم، نمی توانیم حتی درس بخوانیم. من چون خودم مربی هستم، می بینم که عده ای فقط به درس و مشق توجه دارند و به سلامتی اهمیت نمی دهند. در نتیجه، کودکی ۱۳ یا ۱۴ ساله، ۲۰ کیلو اضافه وزن دارد.

○ پس نقش خانواده ها در این جا پررنگ تر خواهد شد؛ این طور نیست؟
□ پدر و مادرها باید بدانند که جایگاه ورزش و سلامتی در سطح اجتماع چیست. پدر و مادرها اول باید در راه سلامت بچه ها گام بردارند و بعد آموزش درسی آن ها. آموزش و پرورش هم باید ورزش را مکمل دروس بچه ها بداند و برای آن جایگاه

این جمله را
با قدرت می گویم:
من جزو
معدود ورزشکارانی
هستم که
عاشق شغل
معلمی شدم



متفاوت قائل باشد. مدیر یا معلم مدرسه می تواند دستورالعملی صادر کند که وقتی دانش آموز به منزل می رود، تحت نظارت خانواده باشد و با خانواده ها در تماس باشد که بچه ها طبق دستورالعمل ها برنامه را اجرا کنند.

○ وظایف معلم ورزش در قبال دانش آموزان چیست؟

□ ما یک سری مطالب را به طور فرمولی می خوانیم مثل نرمش، ورزش، بازی کردن و غیره. اینها مطالب کتابی هستند. یکی از گرفتاری های ورزش مملکت ما که آموزش و پرورش هم پایه ی آن است، نبود عشق و علاقه در کار است. عشق و علاقه ی معلم ورزش در دانش آموز شور و عشق و علاقه به وجود می آورد. نباید دائم ببیند که ساعت کاری کی به پایان می رسد. در حال حاضر اکثر معلمان ورزش بنا به ضرورت و موقعیت، این شغل را انتخاب می کنند که باعث ضعف در دستگاه آموزش و پایین آمدن سطح ورزش می شوند. جوانان ما در کنکور به رشته ی ورزشی در مرحله ی آخر نگاه می کنند. ولی اگر روح و حس ورزشی در معلمان باشد،

آن ها خودشان درک می کنند و عشق و علاقه به ورزش در دانش آموز ایجاد می کنند و دل می سوزانند.

○ معلم ورزش چه تأثیری در رفتار و اعمال، و رشد و بالندگی دانش آموز در ورزش دارد؟

□ می گویند: سخنی که از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند. شما اگر کارتان را با تمام وجود انجام دهید، تأثیر خود را بر دانش آموز می گذارید. اگر حرف های من ظاهری باشد، شما متوجه خواهید شد. معلم باید در آموزش خود تکرار و عشق و علاقه داشته باشد. اگر لازم باشد، ده بار بگوید تا دانش آموز متوجه شود. این را هم بدانید که در مدارس، همیشه معلمان می خواهند الگوی دانش آموزان باشند. بنابراین اگر کار من درست و اصولی باشد، برای دانش آموزانم الگو خواهم بود. کما این که من همیشه سعی کرده ام، حرکاتم شبیه به مربیان باشد؛ راه رفتن، لباس پوشیدن و حرف زدن. این ها نقش یک معلم علاقه مند است که می خواهد اثر خود را روی دانش آموز بگذارد. در مجموع، وقتی معلم می بیند، شاگردش در کار و

زندگی موفق شده است، برایش لذت بخش خواهد بود.

○ ورزش در ایران در گذشته به چه شکلی بوده و اکنون چگونه است؟

□ در گذشته، ما از مسائل روز دنیا عقب بودیم و ارتباطات بسیار ضعیف بود. خیلی چیزها را نمی دانستیم و استعدادها در اثر عدم رسیدگی از بین می رفتند. در گذشته مردم تعهد و اعتقادات کاری قوی داشتند و نسبت به کارشان متعهد بودند. اگر کاری را شروع می کردند، با عشق و علاقه جلو می رفتند. ۷۰ یا ۸۰ درصد کار علاقه و عشق باطنی بود. اگر دنبال کار ورزشی می رفتند، به خاطرش همه چیز را فدا می کردند. به همین خاطر، ورزشکاران در گذشته هیچ چیز نداشتند. به ورزش توجه خاصی نمی شد و اکثر کسانی هم که از ورزش به جایی می رسیدند، یا با تلاش شخصی بود و یا این که کسی یا چیزی در سر راهشان قرار می گرفت و به او کمک می کرد.

در سال های اخیر، مقداری زیاد پول وارد کارهای ورزشی شد و این پشتیبانی عظیمی را در برداشت. باعث شد، افراط و تفریط زیاد شود و پول





بی حساب خرج گردد. این سبب گرفتاری شده است. در گذشته اگر ۲۰ تومان را به بچه می دادیم، نمی دانست چه کار کند. آن را اگر به در مغازه می برد، به او می گفتند برو با بزرگ تریت بیا. پولی که الان برای ورزش هزینه می شود، به یک مدیریت بزرگ تر و تیم نیاز دارد؛ چون بی برنامه خرج می شود. وقتی این طور است، تیم های ورزشی ما که بسیار هم حرفه ای هستند، همیشه می گویند ما کسی را نداریم!

غلاممسین نوریان
نفر چهارم از
سمت راست (نشسته)
عضو تیم ملی فوتبال
اعزامی به
بازی های المپیک ۱۹۶۴
ترکیه

○ تنیس حرفه ای را چگونه شروع کردید؟

□ وقتی دیدم به تنیس علاقه مندم، رفتم و یک دوره آموزش دیدم. می دانید که یک مجموعه از رشته ها هستند که ۴۰ تا ۵۰ درصد عمومیت دارند؛ یعنی آگاهی داشته باشی و کمی آموزش ببینی، می توانی در همه ی آنها پیشرفت کنی. من در آغاز انقلاب عضو هیئت انتخابی تنیس بودم. در سال ۱۳۶۳ رئیس فدراسیون تنیس شدم. این برای یک معلم ورزش بسیار اهمیت دارد. مگر ما چند معلم در کشور داریم که رئیس فدراسیون هم باشد.

○ تاریخ نشان می دهد، همه چیز به مرور زمان عوض می شود. دیروز و امروز معلمان و دبیران ورزش چه تفاوتی دارد و اصولاً از دیدگاه شما، تعلیم و تربیت دیروز و امروز چه تفاوتی دارد؟
□ در گذشته خیلی چیزها. در مملکت رایج بودند که الان وجود ندارند. تعلیم و تربیت در خانواده با الان تفاوت زیادی داشت. در گذشته به معلم و پدر و مادر احترام زیادی می گذاشتند. ما آن قدر به معلم احترام می گذاشتیم که اگر در خیابان او را می دیدیم خودمان را پنهان می کردیم.

سلطنت آباد (پاسداران) کار می کردم. زمین ها را با بچه ها صاف می کردیم تا زمین فوتبال درست کنیم. من با آنها هم گام بودم و آنها نیز به من علاقه مند. من از کار معلمی هیچگاه خسته نمی شوم و هنوز هم این کار را ادامه می دهم. بچه به پدرش افتخار می کند و شاگرد به معلمش که دارای چه مدارج و افتخاراتی است. جامعه ی ما باید به سرمایه های ملی مثل استاد پرفسور حسابی، اهمیت بدهد. متأسفانه در کشور ما سرمایه ی ملی جایگاهی ندارد. من و امثال من که در ورزش به آخر رسیده ایم، نهایتاً ۲۰ نفر هستیم. ولی هیچ اهمیتی به ما نمی دهند. باید جایگاه ها مشخص باشند. به شغل معلمی هم اهمیت نمی دهند. به همین خاطر هم من بعد از ۲۰ سال خدمت، خودم را بازنشست کردم.

○ بعد از بازنشستگی چه کردید؟
□ به ورزش ادامه دادم. از سال ۱۳۴۰ در رشته های متفاوتی بازی می کردم. اما سرانجام تنیس را انتخاب کردم و ادامه دادم. از سال ۱۳۴۰ تا الان تنیس آموزش می دهم. در آن زمان ما مجانی مربیگری می کردیم.

○ شما به عنوان معلم ورزشی که بازنشسته شده است، چه یاد و خاطره ای از زمان کار خود دارید؟

□ خاطرات فراوانی دارم. شغل معلمی به دلیل این که با بچه ها در ارتباط است، شغل حساسی است. بچه ها دارای روحیه ای پاک، بی آرایش و احساساتی هستند.

ما باید خودمان را در شرایط بچه ها قرار دهیم تا آنها را حس کنیم و باعث آزردهی خاطر و رنجیدن دل آنها نشویم. یکی از مسائلی که من همیشه در زندگی-در خانه و در مدرسه-در نظر داشته ام، این بوده است که هرگز دروغ نگویم. هیچ گاه هم دروغ نگفته ام. از شاگردانم هم می خواستم، به من دروغ نگویند. با آنها دوست بودم. خودم را در شرایط سنی آنها قرار می دادم و از کارم لذت می بردم. من همیشه به تدریس در مدرسه عشق داشته ام و هرگز هم خسته نمی شدم.

○ هنوز هم شما به کار معلمی مشغول هستید؟

□ بله، من مربی تیم تنیس هستم و این کار را از سال ۱۳۴۰ تا الان که در کار آموزش تنیس هستم، انجام می دهم. در گذشته با بچه ها در زمین های

اگر ۵۰ سال دیگر زندگی کنم، دوست دارم معلم باشم

که مورد ایراد قرار نگیریم. نوع راه رفتن، تکلم، لباس پوشیدن و رفتارهای معلمان گذشته با حالا بسیار فرق می‌کرد. آن موقع می‌گفتند هر چه قید و بند هست، مال معلم است، ولی از نظر درآمد هیچ ندارد. اما امروز بسیاری از مردم بیشتر به دنبال پول‌اند.

○ با وجود پیشرفت‌های خارق‌العاده و توجهی که همه به موضوع ورزش به عنوان یک پدیده‌ی جهانی دارند، تربیت بدنی ورزش در آموزش و پرورش روتق ندارد. از نظر شما دلایل آن چیست؟ چرا ما نمی‌توانیم این پدیده‌ی فنی، اخلاقی و انسانی را مثل سایر کشورها گسترش دهیم؟

□ متأسفانه اکثر مدیران مدارس و مدیران ارشد ورزشی، ورزش را خوب نمی‌شناسند و به ورزشکاران اهمیت چندانی نمی‌دهند. در خانه هم اگر پدر و مادر، مدیر و دوراندیش نباشند و تأثیری بر بچه‌ها نداشته باشند، بچه‌ها عاطل باطل خواهند شد. این را در سطح کلان هم می‌بینیم. بی‌توجهی مدیران و دست‌اندرکاران ارشد ورزشی و ناآگاهی آنان از مقوله‌ی ورزش باعث رشد نیافتن ورزش ایران شده است. شما با کسانی که در رأس قرار دارند صحبت کنید، خواهید دید که کمتر ورزش کرده‌اند و چیز زیادی درباره‌ی آن نمی‌دانند.

○ تفاوت تعلیم و تربیت ورزشی در خارج از کشور با داخل کشور چیست؟

□ امروزه مسائل زیادی را در رسانه‌ها می‌بینید که در مورد آن‌ها تبلیغات وسیع انجام می‌شود. ولی آیا تا به حال دیده یا شنیده‌اید که در مورد مسائل فرهنگی و تربیتی یا ورزشی تبلیغ یا برنامه داشته باشند؟ مثلاً برنامه‌ی توضیحی احترام به بزرگ‌ترها؟ البته شاید هم بوده

است، ولی بسیار کوتاه و زودگذر. آموزش و پرورش باید به فرهنگ ورزشی بچه‌ها بسیار توجه داشته باشد.

من وقتی در فدراسیون بودم، به ژاپن سفر کردم. در آن سفر یک راهنمای ژاپنی داشتیم که از تهران آمده بود. وقتی در خیابان به چراغ قرمز رسیدیم و توقف کردیم، از راهنما پرسیدم: آیا امکان دارد وقتی چراغ سبز است، کسی از خط عابر عبور کند؟ او گفت: شاید، ولی امکان ندارد اگر با بچه‌ای باشد، این کار را انجام دهد. یعنی در فرهنگ آن‌ها، بچه‌ها باید کارهای خوب را یاد بگیرند. آن‌ها کار خطا را جلوی بچه انجام نمی‌دهند.

○ شما فرمودید که ۲۰ سال معلم ورزش بوده‌اید و سال‌هاست که کار مربیگری می‌کنید. چه تلاشی در جهت بهبود سطح فرهنگی جامعه‌ی ورزشی داشته‌اید؟

□ نکته‌ی خوبی را مطرح کردید. من معتقدم، همه چیز از خود ما آغاز می‌شود؛ البته هیچ چیز صد درصد نیست. من در تمام طول زندگی و ارتباطاتم سعی کرده‌ام، دروغ نگویم و دروغ نگفتن را عمومیت بدهم. چرا که در قرآن هم آمده است، دروغگو دشمن خداست. من هیچ‌گاه کار خلافی انجام نداده‌ام. سعی کرده‌ام، اطرافیانم همه سالم باشند. اگر معلم و مربی هستم و اگر می‌خواهم بچه‌ها را ارشاد کنم، باید ابتدا خودم خوب باشم. من به تمامی دانش‌آموزانم صداقت و راست‌گویی را آموزش داده‌ام. حتی در باشگاهی که تنیس کار می‌کنم، تمام آدم‌ها باید مسائل اخلاقی و اجتماعی را رعایت کنند. من محیط

خودم را ۸۰ تا ۹۰ درصد سالم نگه می‌دارم.

○ روند پیشرفت ورزش دختران را در ایران چگونه تحلیل می‌کنید؟

□ به نظر من، بزرگ‌ترین مصیبت ورزشی در کشور ما برای جامعه‌ی ۵۰ درصدی خانم‌هاست. من وقتی رئیس فدراسیون تنیس بودم، اولین زمین تنیس را برای خانم‌ها در محدوده‌ی خودم ایجاد کردم که مورد ایراد رئیس تربیت بدنی هم قرار گرفت.

گفتم: اگر خانم‌ها ورزش نکنند، چه طور می‌توانند بچه‌های خوب و سالم تربیت کنند؟ زنی که ورزش را بشناسد، بچه‌های ورزشکار تربیت می‌کند. بعد از انقلاب اولین کسی که برای خانم‌ها زمین تنیس ایجاد کرد، من بودم و افتخار می‌کنم که در خدمت مردم این مرز و بوم هستم.

○ چه توصیه‌ای برای عملکرد هر چه بهتر آموزش و پرورش و ارگان‌های مرتبط به منظور بهتر شدن ورزش کشورمان دارید؟

□ اگر من فقط یک هفته رئیس دولت بودم، تعداد زیادی امکانات ورزشی مهیا می‌کردم. سؤالی دارم. از لحاظ جمعیت، ما چند برابر کشورهای اروپایی مثل انگلیس، فرانسه و... هستیم؟ شما اگر آمار امکانات ورزشی آن‌ها را بگیرید، می‌بینید که آن‌ها با جمعیت کمتر، امکانات ورزشی بسیار زیادی دارند. ما هر ساله میلیاردها تومان خرج مبارزه با مواد مخدر می‌کنیم. اگر امکانات ورزشی زیادی داشته باشیم، جوانان می‌توانند راه بهتر را که ورزش است انتخاب کنند. الان زمین برای ورزش در دست کسانی است که با آن درآمد کسب می‌کنند. یعنی اگر

شما دو بچه داشته باشید و خودتان هم نخواهید ورزش کنید، همه‌ی حقوقتان را هم بدهید، باز کم است.

بسیاری از مسئولین ما ورزش نمی‌کنند تا بدانند درد ما چیست. چرا پدر و مادرها این قدر باید نگران خارج شدن بچه‌ها از خانه باشند؟ من اگر جای این تشکیلات بودم، در درجه‌ی اول به امکانات ورزشی اهمیت می‌دادم. دیگر این که چند دستگاه اجرایی که نقش زیادی در سالم‌سازی جوانان دارند و می‌توانند کمک‌های زیادی به جامعه‌ی ورزشی داشته باشند، عبارت‌اند از: سازمان تربیت‌بدنی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، فناوری و تحقیقات، و وزارت بهداشت، درمان و آموزش که در روز میلیون‌ها دارو وارد می‌کند. اگر جامعه سالم شود، نیازی به دارو و قرص نداریم.

○ سازمان‌ها چه طور می‌توانند با همکاری و هماهنگی در بهبود جامعه گام بردارند؟

□ این وظیفه‌ی اصلی رییس‌جمهور است که نقش مدیر خانواده را دارد. کم‌این که در مدارس، مدیر و ناظم نقش بسزایی در بهبود و سلامت جامعه دارند. من زمانی که معلم ورزش

بودم، همیشه سعی داشتم روابط خوبی برقرار کنم و امکان ارتباط افراد با یکدیگر را فراهم آورم.

○ چه طور می‌شود دانش‌آموزی را برای ورزش‌های قهرمانی آماده کرد؟

□ دنیا برای تمام کارهایی که انجام می‌دهد، کمیته‌های تحقیقاتی دارد. این درحالی‌است که ما در ایران از این گونه امکانات کمتر داریم و بودجه‌ی کافی در اختیار تحقیقات قرار نمی‌دهیم. از تجربیات کسانی مثل من هم استفاده نمی‌شود. در خارج از کشور، برای پیشکسوتان تشکیلات دارند و به استفاده از تجربیات آن‌ها بها می‌دهند. اگر کمیته‌ی تحقیقاتی باشد، من و امثال من در آن جافکر می‌کنیم و درست عمل می‌کنیم. می‌توانیم بهترین ایده‌ها را ارائه دهیم. ما اگر می‌خواهیم قهرمان ورزشی داشته باشیم، باید از مدارس و از استعدادها شروع کنیم؛ از سن کم تا بچه‌ها بدنشان فرم بگیرد و آماده‌ی قهرمانی شوند. البته در کنار آن باید به درس‌هایشان هم رسیدگی کنند.

○ معلمان ورزشی ما چگونه می‌توانند با دانش روز آشنایی داشته باشند؟

□ در گذشته بیشتر مسابقات ورزشی

را معلمان ورزش اداره می‌کردند، ولی الان این طور نیست. چرا که معلمان دیگر در ورزش به روز نیستند و فقط می‌خواهند معلم ورزش باشند تا حقوق بگیرند. اگر بخواهند به روز باشند، می‌باید در کلاس‌های عملی و توجیهی شرکت کنند و مطالعات خود را به روز کنند تا دانش و تجربه‌ی خودشان را ارتقا دهند. استادان ورزشی نباید ورزش را بی‌ارزش کنند و بی‌جهت نمره بدهند.

آموزش و پرورش و مدیران ارشد جامعه باید به مدارس القا کنند که داشتن تیم ورزشی در مدرسه امتیاز محسوب می‌شود. اگر معلم ورزش بداند، تیم ورزشی مدرسه مورد توجه است و از این طریق می‌تواند امتیاز و درجه بگیرد، به کارش اهمیت بیشتری خواهد داد. این‌ها همه برمی‌گردد به نحوه‌ی عملکرد آموزش و پرورش که چگونه مدارس را مدیریت کنند. این مسئله‌ی مهمی است که شما ارزش کاریتان را بدانید و برایتان اهمیت داشته باشد. کسی که در سطح بالای مدیریت جامعه قرار می‌گیرد، باید به همه چیز اشراف داشته باشد.

○ در انتها آقای نوریان ادامه دادند که من دوست دارم به جامعه‌ی ورزشی کشورم خدمت کنم، چون همیشه به خدمت کردن به مردم این مملکت اعتقادی راسخ داشته‌ام. وی از این که مجله‌ی «رشد تربیت‌بدنی» را ندیده بود، و این که چرا این مجله به دست ورزشکاران از جمله ایشان نمی‌رسد گله‌مند بود. عقیده داشت که مجله می‌تواند نقش اطلاع‌رسانی خوبی در جهت ارتقای سطح ورزشی کشور داشته باشد.

دست اندرکاران رشد تربیت‌بدنی، ضمن تشکر و قدردانی از ایشان به خاطر شرکت در این گفت‌وگو، برای ایشان از ایزد منان سلامتی و موفقیت خواستار است.

